

خطرناک‌تر از کرونا

شرحی بر تأثیرگذاری اشتباهات مسئولین و رسانه‌ها بر اعتماد عمومی

آیدا میرزایی

کارشناسی مهندسی پلیمر

این روزها سراغ هر شبکه اجتماعی که برویم، تقریباً همه اخبار درباره ویروسی است که عیددینی را از یک ماه قبل شروع کرده‌است. در میان این خیرها، خبری بود که توجه عده زیادی را به خود جلب کرد و آن نتیجه نظرسنجی بود که فرمانده عملیات مدیریت مقابله با کرونا از آن سخن گفت: «۶۰ درصد از مردم تهران کرونا را جدی نگرفته‌اند.» با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت که این وضعیت تنها منحصr به شهر تهران نیست و در شهرهای دیگر کشور هم تقریباً همین وضع وجود دارد. دلیل موردتوجه قرارگرفتن این خبر مشاهدات میدانی است. شلوغی بازار تهران، فروشگاه‌ها و مراکز خرید در هفته‌های گذشته شاهدی بر این ادعاست. برخلاف درخواست‌های مکرر مسئولین از مردم برای ماندن در خانه، عده زیادی اعتنایی به این توصیه‌ها ندارند. این بی‌توجهی‌ها می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد که شاید عدم اعتماد مردم به مسئولین مهم‌ترین آن‌ها باشد. این عدم اعتماد هم علل بسیاری دارد. از روشن‌ترین علت‌ها، اتفاقات سالی است که اکنون رو به پایان است. عدم توانایی دولت برای بهبود معیشت و کنترل تورم، سوءمدیریت در گرانی یک‌شبه بنزین و حوادث تلخ آبان ماه و درنهایت سقوط هوایپما به دست پدافند هوایی خودی، سقوط اعتماد عمومی را رقم زد. البته این اعتماد تنها در یک سال از دست رفته است و سال‌ها پیش سنگ بنای آن گذاشته‌شد است و این روند فرسایشی ادامه‌دار است. سال‌ها پیش بر یک فیلم سینمایی، مسئولی از یک روحانی ورد و ذکر برای ایجاد محبوبیت در دل مردم درخواست می‌کرد. پاسخی که روحانی به او داد

شاید همان حلقه گم‌شده‌ی میان مردم ایران و مسئولین نظام باشد؛ چقدر در میان مردم هستی‌د؟ آیا از درد آن‌ها خبر دارید؟ شیشه دودی اوتومبیل لوکس خود را پایین بکشید...» چندین سال است که شیشه‌های دودی اوتومبیل‌های لوکس شکاف میان مردم و آن‌ها روز به روز بیشتر می‌شود. این شرایط سبب شده است مسئولینی که خالصانه تمام تلاششان را برای برداشتن باری از روی دوش مردم می‌کنند، دیده نشوند یا مردم دیگر به تلاش‌های خالصانه نیز اطمینانی نداشته باشند و همه را به یک چشم نگاه کنند. موش‌دوانی‌های بیگانگان که قسمت عظیم آن توسط رسانه‌های فارسی‌زبان انجام می‌شود هم قطعاً بی‌تأثیر نبوده و نیست. وظیفه خطیر به حاشیه راندن اقدامات مؤثر با تخریب آن‌ها، ایجاد پیش‌زمینه برای مردم و تحمیل جنگ‌های روانی تمام‌عیار علیه ملت ایران گوشه‌ای از فعالیت‌های دلسوزان دروغین این مردم است. عدم وجود سواد رسانه‌ای، زودباوری و یک‌طرفه به قاضی رفتن مردم هم یکی از عواملی است که بیگانگان را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌دهد. از همان روزی که کروناویروس در چین اوج گرفت و به مرزهای ایران نزدیک و نزدیک‌تر شد، زمزمه‌هایی مبنی بر ورود ویروس به کشور وجود داشت. اخباری که منبع مشخصی نداشتند و به راحتی می‌شد نام شایعه روی آن‌ها گذاشت، در فضای مجازی دست به دست می‌شدند. آن روزها رسانه ملی تنها این شایعات را تکذیب می‌کرد و حرفی از اقدامات دولت برای جلوگیری از ورود کروناویروس به کشور نمی‌زد. خبر ابتدای چند نفر به این ویروس در قم که رسماً اعلام شد، کاشف به عمل آمد که در این مدت پروازهای ایران به چین لغو نشده است. انتظار زیادی است که با این وضع از مردم بخواهیم

اخبار را فقط از رسانه ملی دنبال کنند و به این اخبار و سخنان مسئولین اطمینان کامل داشته باشند؛ اما این تنها آغاز ماجرا بود! کشمکش میان مسئولین از جمله وزارت بهداشت که البته باید خدایقوتی به مسئولینش گفت- و وزارت ورزش برای لغو بازی‌ها و وجود تناقض میان اخبار کشف لوازم بهداشتی احتکار شده و موجودی قفسه داروخانه‌ها از موارد اولیه‌ای بود که مردم را گیج و سردرگم می‌کرد. مجلسی‌ها هم که سنگ تمام گذاشتند و مانند همه این ۴ سال زیر بار مسئولیت شانه خالی کردند؛ ابتدا با پک‌های بهداشتی همه چی تماشان، آن‌هم در روزهایی که یک ماسک ساده به سختی پیدا می‌شد و بعد هم با تعطیلی مجلس در زمانی که باید می‌ماندند و مسئله بوجه را به سرانجام می‌رسانند. مردم حق‌دارند بدانند که خون مجلسی‌ها چقدر از آن‌ها رنگین‌تر است. اخبار تلخ‌تری هم به دست مردم می‌رسید. مخالفت برخی از علما و روحانیون با تعطیلی حرم‌های مطهر، اماکن مذهبی و نماز جماعت نه‌تنها دشمن را به هدف خود، یعنی ایجاد شکاف میان مردم و شرع، رساند؛ بلکه شرایط روانی جامعه ایرانی را بسیار وخیم‌تر کرد. این مخالفت‌ها در حالی بود که رهبری با دستکش مقابل دوربین‌ها حاضر شدند. کمال تشکر را هم باید از آن مسئولی داشت که قرار بود از شنبه همه‌چیز را به وضع عادی برگرداند. از این هم اگر بگذریم هنوز سؤالات بزرگی وجود دارد؛ چرا نظارت بر ورودی فضای مجازی‌های شهرها وقتی صورت گرفت که بیماری در کشور پخش‌شده بود؟ چرا سازوکاری تعریف نشد و نمی‌شود تا عبور و مرور در شهرها کاهش یابد؟ اگر واقعاً بحث سلامت مردم مطرح است چرا کارمندان که می‌توانند عامل انتقال به خانواده‌هایشان باشند، از این خطر دور نمی‌شوند؟ حتی اگر یک نفر در خانواده‌ای کارمند باشد و مجبور به رفت و آمد در

انیمه‌گاس

شماره ۱۱۷
صفحه ۴

صاحب امتیاز:

بسپج دانشجویی

مدیر مسئول:

رضا امامی

سر‌دبیر:

محسن اسفندیار

هیات تحریریه :

محمد بخشی /رضا شیر‌گه/امین نژاد مقدم

محسن اسفندیار/ابوالفضل لطفی

هدی اثنی‌عشری/آیدا میرزایی/ مریم عربی

گرافیک و صفحه آرایی :

محمد بخشی/ابوالفضل لطفی

راه ارتباطی: @BasijAUT_Media

@Basijaut :کانال تلگرام و بله

@Basijaut :صفحه توئیتر و اینستاگرام

انیمه‌گاس

نشریه بسپج دانشجویی
دانشگاه صنعتی امیرکبیر

شماره ۱۱۷ |چهارشنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۹۸

چالش دموکراسی در

بررسی علل کاهش مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی

زنان؛ بزرگ‌تر از نیمی از جامعه

نگاهی به موانع

تحقق نگاه انقلاب اسلامی در حوزه زنان

صفحه ۲

غرق در قالب‌ها

بررسی عملکرد

چندین سال گذشته جنبش دانشجویی

در فضای بین‌الملل و جهان اسلام

صفحه ۲

خطرناک‌تر از کرونا

شرحی بر تأثیر گذاری

اشتباهات مسئولین و رسانه‌ها بر اعتماد عمومی

صفحه ۲

عدالتخواهی فکاهی

یورسی روند عدالتخواهی در فضایی مختلف

از مطالبه گری مطلوب

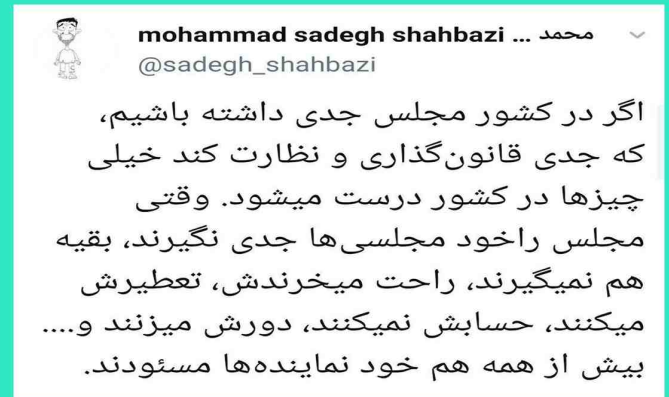
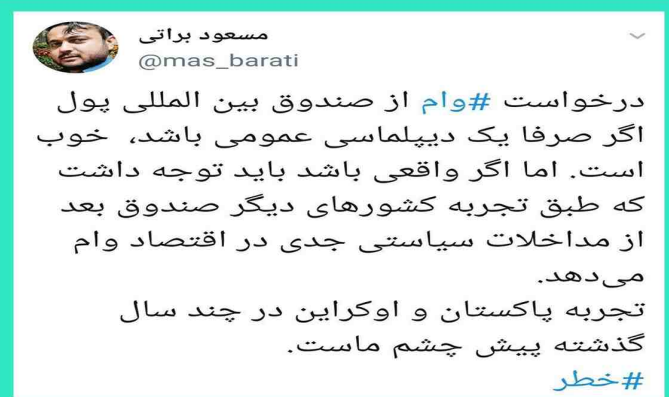
تا سیاه نمایی‌های نامطلوب

صفحه ۲

ریتوبیت

گزارش تصویری

راه‌اندازر کاگاه تولید ماسک و لوازم بهداشتی برابر مقابله با ویروس کرونا



سردیس

کرونا در ایران قربانی گرفت
خبر کوتاه بود اما وحشتناک برای جامعه، این روزها بدن زخم خورده ایران درگیر ویروسی مرگبار نه بلکه با شیوع بسیار زیاد شده است که ترس و وحشتی فزاینده به جان مردم انداخته است.
جامعهای که از بی‌خبری، تکذیب و رد شایعات ناگهان با همه خبری رو به رو می‌شود، سبب می‌شود مردم دچار اضطراب و نگرانی گردند و این نتیجه‌ای ندارد جز کلافگی و درماندگی در جامعه. این امر نشان‌دهنده آن است که جامعه با سطح وسیعی از هراس دست و پنجه نرم می‌کند که این امر با اخبار درست یا نادرست فضای مجازی به طور فزاینده‌ای افزایش می‌کند.در نبود مراجع قابل‌اطمینان و یا از دست رفتن اعتبار منابع خبری طبیعی است که فرصت‌طلبان از این قضیه به خوبی استفاده کنند و ماهی خود را از آب بگیرند و هر روز امنیت روانی جامعه را به بازی گیرند. از طرفی هر روز در رسانه ملی گفته می‌شود به شایعات توجه نشود اما در قبال آن گاهی چنان اتفاقات و تناقضاتی مشاهده می‌شود که بیننده نمی‌تواند به هیچ‌یک از رسانه‌ها اعتماد کامل را داشته باشد و در برزخی بین می‌کند و این وسط گیر می‌افتد که بیش از بیش روان جامعه را بر هم خواهد زد. از سوی دیگر گفته می‌شود که این ویروس فقیر و غنی نمی‌شاسد اما برخورداری اقشار مختلف مرم از امکانات بهداشتی چیز دیگری را نشان می‌دهد که اگر بنا بر مبارزه با چنین ویروسی است باید شرایط برای احاد جامعه یکسان باشد. کسب کار عده زیادی از مردم کم‌درآمد نیز با این روزها با مشکل مواجه شده و این مشکل سبب می‌شود آن‌ها نتوانند محل کسب خود را ترک کنند و هر روز نیز با ر و عده‌های که مشخص نیست کی تحقق خواهد یافت رو به رو می‌شوند و اما در نهایت دیگر زمان سخن گفتن از این بحث‌ها گذشته باید کمر همت بست و با یکدلی و اتحاد به مقابله با دشمنی رفت که نه فقط جان ایرانیان بلکه همه بشریت را تهدید می‌کند و این چنین تجربیاتی کم در تاریخ معاصر ما وجود ندارد که خود نشان‌دهنده روح بلند ملت ایران است.

انیمه‌گاس

شماره ۱۱۷ صفحه ۲

حکم و حکمرانی

نگاهی به روند صدور احکام حکومتی

محسن اسفندیار

کارشناسی مهندسی هوافضا

در تاریخ ۴۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی،از موارد چالشی این بحث تفکیک قوا و ولایت مطلقه‌ی فقیه که در اصل ۵۷ قانون اساسی ذکر گشته است می‌باشد.طبق اصل ۵۷ قانون اساسی «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.» و این قانون حدود وظایف و اختیارات رهبری را به اصل ۱۱۰ ارجاع داده است. در تاریخ جمهوری اسلامی، حاکمیت بارها به دلایل مختلفی اعم از اهمیت موضوع و با شرایطی خاص مانند جنگ دست به تشکیل شوراهایی عالی زده است و یا مبادرت به استفاده از اختیارات ولایت فقیه نظیر حکم حکومتی کرده است.از جمله شورای عالی دفاع در زمان دفاع مقدس که بالاترین نهاد تصمیم گیر در خصوص امر جنگ بود و یا شورای عالی هماهنگی اقتصادی قوا در طی این سال‌ها که پس از درخواست‌های مکرر رئیس جمهوری از رهبری مبنی لزوم توجه به شرایط جنگی اقتصادی و همچنین افزایش اختیارات صورت گرفته است، که البته شورای مذکور نتوانسته کار کردهایی که در لزوم تأسیس آن ذکر می‌شده است،را محقق کند و بعضا تصمیمات بحران‌زا را نیز در کارنامه‌ی خودش داشته است. نظریه بحث افزایش قیمت بنزین که از دل این شورا پدید آمد.

قطعاً ادامه دار شدن این روند اشکالات بسیار را پدید خواهد آورد... این اشکالات را، در دسته کلی می توان طبقه بندی کرد: اولاً با تأسیس چنین شوراهای فرا قانونی حکومت چنین پیمایی را مخایره می کند که ساختارهای کنونی و قانونی کشور پاسخگوی نیازهای کشور و شرایط بحرانی نیست و ثانیاً این روند و تأسیس چنین شوراهایی و استفاده از اختیارات رهبری و درخواست‌های فرا قانونی مسئولین امر هیچ حد یقفی ندارد چرا که رهبری در مشی ۳۰ ساله خود نشان داده اند که در پاسخ به درخواست‌های مسئولان و قوای سه گانه و برای پیشبرد امور، معمولاً همکاری کرده و یا تفویض اختیار نموده اند که در سال‌های اخیر این اتفاق بارها افتاده، نظیر تشکیل شورای هماهنگی اقتصادی، صدور مجوز برای بررسی تفادات اقتصادی سال ۹۷ به صورت ویژه و مورد تأخیر نیز صدور حکم حکومتی برای پیشبرد امر بودجه اما مورد تأخیر بسیار عجیب می نمود، چرا که کلیات بودجه از آرد به مجلس تحویل داده نشده بود و کار برپای آن در کمیسیون تلفیق روندی طولانی و عجیب سه ماهه را طی کرده، وقتی هم که به محسن علیی رسید به دلیل ضررهای بسیاری که برای کشور ایجاد می کرد، توسط نمایندگان رد شد، اما با نقش آفرینی ویژه ی علی لاریجانی رئیس اوولگرای مجلس و غلامرضا تاجگردون رئیس اصلاح طلب کمیسیون تلفیق و به بهانه ی امکان عدم تشکیل جلسات مجلس به دلیل رعایت توصیه های بهداشتی در صورتی که مجلس حداقل می توانست به صورت مجاری تشکیل جلسه دهد و یا رعایت پروتکل های بهداشتی برای مجلسی که از همان روز اول نمایندگانش یک بهداشتی دریافت کردند آن چنان سخت نبود، با توجه به سردرگمی کشور و لزوم رسیدن بودجه تا پیش از سال، علی لاریجانی از رهبری درخواست حکم حکومتی نمود و ایشان نیز به دلیل همان خط مشی ای که داشته اند، با این درخواست موافقت نمودند که نظر کمیسیون تلفیق نظر مجلس انگاشته شود. در واقع می توان گفت که مجلس به دلیل اعمال کار نمایندگان و نداشتن انگیزه ی کاری (چرا که اکثر نمایندگان در مجلس آتی حاضر نیستند و هم اکنون به دنبال شکل پس از نمایندگی می باشند، امر بودجه را به تأخیر انداخت و کار از کار که گذشت، دست به دامن رهبری شد. هر چند توجهیانی از جمله شرایط حساس کنونی و قرار داشتن کشور در شرایط بحران، دلایل مسئولان اجرائی برای اقبال مردم و سایر ارکان نظام برای استفاده از اختیارات رهبری بوده است، اما بایستی به این نکته توجه داشت که این اتفاق هم اکنون در حال تبدیل شدن به یک روند است و متأسفانه موجب تبعیض تبدیل اکثریت به مسیر قانون به شرایط اضطرار و مصلحت می شود.

چالش دموکراسی در کوچه یازدهم

بررسی علل کاهش مشارکت مردم در انتخابات



رضا شیرگه

کارشناسی مهندسی هوافضا

انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۹۸ برگزار شد، انتخاباتی است که احتمالاً بعداً بیشتر و وسیع تر درباره آن بنویسم و صحبت کنیم. انتخاباتی که صاحب‌عنوان کمترین مشارکت در تاریخ انتخابات جمهوری اسلامی است. به دلیل حجم اخبار ناشی از انتشار ویروس کرونا و شیوع این ویروس در کشور، این رویداد سیاسی هنوز به خوبی تحلیل و بررسی نشده و پیام‌های این انتخابات ظاهراً به درستی برای ما تبیین نشده است. گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی فارغ از رویکردی که در قبال این انتخابات داشتند، باید این رخداد و شورای هماهنگی اقتصادی، صدور مجوز برای بررسی تفادات اقتصادی سال ۹۷ به صورت ویژه و مورد تأخیر نیز صدور حکم حکومتی برای پیشبرد امر بودجه اما مورد تأخیر بسیار عجیب می نمود، چرا که کلیات بودجه از آرد به مجلس تحویل داده نشده بود و کار برپای آن در کمیسیون تلفیق روندی طولانی و عجیب سه‌ماهه را طی کرده، وقتی هم که به محسن علیی رسید به دلیل ضررهای بسیاری که برای کشور ایجاد می کرد، توسط نمایندگان رد شد، اما با نقش آفرینی ویژه ی علی لاریجانی رئیس اوولگرای مجلس و غلامرضا تاجگردون رئیس اصلاح طلب کمیسیون تلفیق و به بهانه ی امکان عدم تشکیل جلسات مجلس به دلیل رعایت توصیه های بهداشتی در صورتی که مجلس حداقل می توانست به صورت مجاری تشکیل جلسه دهد و یا رعایت پروتکل های بهداشتی برای مجلسی که از همان روز اول نمایندگانش یک بهداشتی دریافت کردند آن چنان سخت نبود، با توجه به سردرگمی کشور و لزوم رسیدن بودجه تا پیش از سال، علی لاریجانی از رهبری درخواست حکم حکومتی نمود و ایشان نیز به دلیل همان خط مشی ای که داشته اند، با این درخواست موافقت نمودند که نظر کمیسیون تلفیق نظر مجلس انگاشته شود. در واقع می توان گفت که مجلس به دلیل اعمال کار نمایندگان و نداشتن انگیزه ی کاری (چرا که اکثر نمایندگان در مجلس آتی حاضر نیستند و هم اکنون به دنبال شکل پس از نمایندگی می باشند، امر بودجه را به تأخیر انداخت و کار از کار که گذشت، دست به دامن رهبری شد. هر چند توجهیانی از جمله شرایط حساس کنونی و قرار داشتن کشور در شرایط بحران، دلایل مسئولان اجرائی برای اقبال مردم و سایر ارکان نظام برای استفاده از اختیارات رهبری بوده است، اما بایستی به این نکته توجه داشت که این اتفاق هم اکنون در حال تبدیل شدن به یک روند است و متأسفانه موجب تبعیض تبدیل اکثریت به مسیر قانون به شرایط اضطرار و مصلحت می شود.

به‌عنوان مثال، برخی اتفاقات آیان و دی‌ماه سال ۱۳۹۸ را عامل کاهش مشارکت می‌دانند. اینکه حکومت به طور ناگهانی و در اقدامی خارج از عرف شورای اسلامی، قیمت بنزین را ۳ برابر گران کرده و اعتراضات به این اقدام را سرکوب می‌کند؛ و نیز با گذشت حدود ۴ ماه از آن اتفاقات هنوز تعداد کشته‌های آن اعتراضات و خطایان در نوع برخورد با مردم بی‌گناه مشخص نشده‌اند. همچنین با گذشت حدود ۲ ماه از حادثه سقوط هواپیمادر دی‌ماه امسال هنوز دلیل شفاف این اتفاق و مقصرین این حادثه شناخته‌نشده‌اند. برخی دیگر رد صلاحیت‌های صورت گرفته از سوی شورای نگهبان و به تبع آن خالی کردن عرصه رقابت از عناصر جدی و تأثیرگذار همه احزاب را دلیل کاهش مشارکت می‌دانند. آن‌ها معتقدند که فضا به وجود آمده که نامش شورای اسلامی باشد، اما در واقع شورا و اسلامی نباشد. یا مثلاً شورای نگهبانی باشد اما نگهبانی واقعی از قانون اساسی و شریعت اسلامی را در عرصه‌های مختلف انجام ندهد. حقیقتاً این آ‌رمان‌ها و مفاهیمند که به این نهادها ارزش داده و آن‌ها را از طرفی توازن آ‌رمان‌ها را حفظ کنند. معترضین به شرایط کنونی اعم از کارگر، کارخانه‌دار، معترض سیاسی-اجتماعی در کارآمد نبودن مجلس و عدم استقلال آن اصلی‌ترین عاملی است که مردم را از شرکت در انتخابات منصرف کرده است. عملکرد مجلس در واکنش به طرح افزایش قیمت بنزین و نیز در واکنش به بودجه سال ۱۳۹۹ و عدم تأثیرگذاری مجلس در تصمیم نهایی، عاملی بوده که مردم را به این نتیجه رسانده که مجلس در تصمیم‌گیری‌های کلان نقشی نداشته و رأی آن‌ها اثرگذار نیست. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، دلایل ذکرشده از نظر نگارنده عامل در عوامل اصلی در کاهش مشارکت نیستند. انتخابات مجلس برگزارشده هستند و از جریانات سیاسی کهنه، رد شده و آن‌ها را متناسب با موقعیت میدان نو و بالنده می‌کنند. به عنوان مثال از جریان‌ها و جنبش‌های پیشران بر ادعای تأثیر اعتراضات خیابانی بر میزان مشرتک باشد. همچنین انتخابات مجلس دوره دوم و نیز دوره چهارم می‌توانند مثال‌هایی برای رد تئوری تأثیر اصلی رد صلاحیت‌ها در مقدار حضور مردم باشند. البته شایان‌ذکر است دلیل آخر (مبنی بر شائبه عدم استقلال مجلس) بیشتر از بقیه تأثیرگذار بوده ولی اصلی‌ترین

مریم عربی
کارشناسی مهندسی صنایع

در نگاه اسلام، زن به علت جایگاه تربیتی در خانواده و وظیفه‌ی اجتماعی، در جامعه بسیار اثرگذار است؛ اما تحقق این نگاه به سادگی صورت کردن درمورد آن نیست. در عمل، موانع فرهنگی و ساختاری زیادی به میان می‌آیند تا عرصه را برای رشد و نقش‌آفرینی سخت کنند. نگاه متعالی اسلام به شخصیت زنان، آنچه که باید باشد؛ در اسلام آنچه در رابطه با زنان ارزش شمرده می‌شود، این است که در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی، متناسب با طبیعت و هویت زنانه خود، رشد و نقش‌آفرینی داشته‌باشند. زمانی که گفته می‌شود مسئولیت امور داخلی خانه به عهده‌ی زنان است، به معنای آن نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش آن‌ها برداشته می‌شود. خانواده، باید اولین اولویت زنان باشد؛ اما حضور اجتماعی نباید فراموش شود. مسئولیت اجتماعی در نگاه اسلامی، حق زن نیست که برای آن بچنگد و آن را مردان پس بگیرد؛ این نگاه، متعالی است و مسئولیت اجتماعی را «وظیفه‌ی زنان می‌داند. در واقع اسلام مسئولیت اجتماعی را به عهده‌ی تمام جامعه می‌داند و زنان هم متناسب با طبیعت زنانه‌ی خود، باید ایفای نقش کنند. در مورد فعالیت اقتصادی، برای زنان «حق انتخاب» وجود دارد و جزو حقوق زنان است؛ اما نگاه اسلامی، جامعه را ملزم می‌کند که به زنان نگاه درآمدزایی نداشته‌باشد و حضور اجتماعی را به علت فعالیت اقتصادی، ذبح نکند. به همین جهت فعالیت اقتصادی را حق انتخاب زنان و وظیفه‌ی مردان برشمرده است. طبیعتاً زنان در پیکره نظام، دچار تسامح شوند قدرت خود را از دست داده و بدنه مردمی آن‌ها نیز دچار ریزش می‌شود. در این صورت مشارکت چهار کاهش می‌شود. باید به این نکته مهم توجه داشت که

این امر را نباید صرفاً به نظام حزبی تقلیل داد یا با آن یکی گرفت. نظام اسلامی است، آرمان‌های انقلاب حزبی در ذات خود ایستایی و ماندن مدید در دوقطبی کاذب را دارد؛ اما این پیشران‌ها، انقلابی و نو شونده‌اند حتی اگر در مقطعی خود را با حزبی نشان دهند. احزاب ثابت خود بهترین نمونه برای پیگیرهایی هستند که به روح و هویت نو نیاز دارند. به‌عنوان مثال ممکن است مجلس نامش شورای اسلامی باشد، اما در واقع شورا و اسلامی نباشد. یا مثلاً شورای نگهبانی باشد اما نگهبانی واقعی از قانون اساسی و شریعت اسلامی را در عرصه‌های مختلف انجام ندهد. حقیقتاً این آ‌رمان‌ها و مفاهیمند که به این نهادها ارزش داده و آن‌ها را از طرفی توازن آ‌رمان‌ها را حفظ کنند. معترضین به شرایط کنونی اعم از کارگر، کارخانه‌دار، معترض سیاسی-اجتماعی در کارآمد نبودن مجلس و عدم استقلال آن اصلی‌ترین عاملی است که مردم را از شرکت در انتخابات منصرف کرده است. عملکرد مجلس در واکنش به طرح افزایش قیمت بنزین و نیز در واکنش به بودجه سال ۱۳۹۹ و عدم تأثیرگذاری مجلس در تصمیم نهایی، عاملی بوده که مردم را به این نتیجه رسانده که مجلس در تصمیم‌گیری‌های کلان نقشی نداشته و رأی آن‌ها اثرگذار نیست. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، دلایل ذکرشده از نظر نگارنده عامل در عوامل اصلی در کاهش مشارکت نیستند. انتخابات مجلس برگزارشده هستند و از جریانات سیاسی کهنه، رد شده و آن‌ها را متناسب با موقعیت میدان نو و بالنده می‌کنند. به عنوان مثال از جریان‌ها و جنبش‌های پیشران بر ادعای تأثیر اعتراضات خیابانی بر میزان مشرتک باشد. همچنین انتخابات مجلس دوره دوم و نیز دوره چهارم می‌توانند مثال‌هایی برای رد تئوری تأثیر اصلی رد صلاحیت‌ها در مقدار حضور مردم باشند. البته شایان‌ذکر است دلیل آخر (مبنی بر شائبه عدم استقلال مجلس) بیشتر از بقیه تأثیرگذار بوده ولی اصلی‌ترین

زنان، بزرگ‌تر از نیمی از جامعه

نگاهی به موانع تحقق نگاه انقلاب اسلامی در حوزه زنان

اسلامی، زنان تنها نیمی از جامعه نیستند؛ بلکه تشکیل‌دهنده‌ی نیمی از جامعه و رشد دهنده‌ی نیم دیگر جامعه شمرده می‌شوند. پس اغراق نیست اگر عبارت «بزرگ‌تر از نیمی از جامعه» در خصوص آن‌ها به کار رود. «شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پایکزه نگاه داشت و عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد». اما به راستی در جامعه‌ی کنونی و گام دوم انقلاب، زنان تا چه اندازه به الگوی سوم رسیده‌اند؟ موانع امروز تحقق زنان تاریخ‌ساز یکی از اصلی‌ترین موانع، عدم اعتماد جامعه به زنان است. عبارت جامعه، حتی خود زنان را هم شامل می‌شود! نکته‌ای که عجیب و تأس‌آور است، صبح است؛ خود زنان تا به امروز نسبت به مردان کمتر در اجتماع حضور داشته‌اند و بخشی از این عدم اعتماد قابل‌پذیرش است؛ اما ذکر این نکته هم انکارناپذیر است که جامعه برای تحقق نگاه متعالی اسلام، باید در تلاش تغییر این نگاه باشد. تغییری که لزوماً با «حضور درصدی زنان در مناصب سیاسی» محقق نمی‌شود. حضور درصدی زنان شاید در نگاه اول به عنوان یک شسکن، مفید به نظر برسد اما راهگشا نخواهدبود. اگر زنان همواره با تضمین درصدی که از ما بهترها (!) تعریف می‌کنند در مناصب قرار گیرند، طبیعی است که برای تغییر نگاه جامعه

غرق در قالب‌ها

بررسی عملکرد چندین سال گذشته جنبش دانشجویی در فضای بین‌الملل و جهان اسلام

موضوعی که شاید برای همیشه و خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ رونق گرفت و در سال‌های اخیر نیز زیاد دیده شد، فعالیت و کنش جنبش دانشجویی و احساس مسئولیت آن نسبت به مسلمانان سراسر جهان است. ویژگی‌ای از جنبش دانشجویی که شاید در کمتر واحدی از جنبش‌ها شاهد بود که تقریباً تمام نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های دانشجویی متحد باهم، هدفی را در پیش می‌گیرند. احساس مسئولیتی که در بیشتر اوقات حتی در برخی نهادها و ارگان‌های کشور و این نهادها را همواره به جستجوی آنچه گویا «علت‌العلل» است سوق می‌دهد و در نهایت متوجه ساخت سیاسی قدرت می‌گردد. جنبش دانشجویی در این سال‌ها مستنداً انسان دوستانه و گاه خشونت‌بار نسبت به مسلمانان در هر یک از کشورهای جهان واکنش خود را نشان داده و همیشه در خط مقدم این گونه حرکت‌ها بوده است. صرفاً بحث بر سر درست یا غلط بودن این گونه فعالیت جنبش دانشجویی در دستگاه دیپلماسی کشور است. با وجود آنکه شرایط فعالیت جنبش دانشجویی در تظاهرات در مقابل سفارت کشور محکوم نیست. بحث اصلی بر سر خود نوع و قالب این گونه کارها است که شاید لازم باشد در آن بزرگتری و تأمل شود. اگر به وقایع چند سال اخیر در فضای بین‌الملل و جهان اسلام نگاهی بیندازیم و از آن طرف کنش جنبش دانشجویی به این اتفاقات را کنار هم بگذاریم، به قالب‌های تکراری و بعضاً بی‌تأثیر برخی حرکت‌ها پی می‌بریم. البته می‌توان منکر این شد که همین فعالیت‌های تکراری نیز از بی‌مسئولیتی و بی‌توجه بودن نسبت به اطراف و جهان کیلومترها فاصله دارد؛ اما نباید افق دید را در همین نوع فعالیت‌ها متوقف کرد.

انیمه‌گاس

شماره ۱۱۷ صفحه ۳

صدا نمیداد

نگاهی به احوالات کنونی‌ای کلاس‌های مجازی

هدی اثنی‌عشری

کارشناسی مهندسی پزشکی

شیوع گسترده ویروس کرونا و به دنبال آن تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها به جهت ضدعفونی کردن و پیشگیری از انتقال بیماری در اوایل اسفندماه سال ۹۸ فرصتی شد برای تلنگر به برخی مسئولین برای مدیریت بحران‌های واقعی کشور. یکی از ناهادهای درگیر در این موضوع وزارت علوم بود که طبیعتاً به دلیل تعطیلی‌های پیش‌آمده باید زمینه را برای به حداقل رساندن خسارات ناشی از تعطیلات برای سیستم آموزشی فراهم می‌کرد. هفتم اسفند نشست تصمیم‌گیری فعالیت آموزشی دانشگاه‌ها با حضور معاونان آموزش در وزارت علوم برگزار شد و نتیجه این نشست، ابلاغ بخش‌نامه‌ای به تاریخ دهم اسفند بود با موضوع توجه به آموزش غیرحضوری، ایجاد و تقویت زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای اعضای هیئت‌علمی با شیوه‌ها و ابزارهای آموزش مجازی. در پی این تصمیم و برای بهبود شرایط برگزاری این کلاس‌ها، وزارتخانه اقدام به تشکیل کارگروه تخصصی آموزش‌های الکترونیک نمود و در تاریخ ۱۴ تا ۱۷ اسفند، فهرست مراکز آموزش عالی مورد تأیید را برای بهره‌مندی از ترافیک رایگان اینترنت برای سازمان فناوری اطلاعات وزارت ارتباطات ارسال کرد. طبق گزارش‌های واصله از وزارت علوم هم‌اکنون قریب به ۷۰ درصد از دانشجویان در حال استفاده از سیستم آموزش مجازی به روش‌های متنوعی مانند ارائه دروس الکترونیکی از قبل مهیا شده، برگزاری کلاس‌های زنده و اصطلاحاً آنلاین، ضبط کلاس‌ها و محتوای آن‌ها توسط استادان و قراردادن در اختیار مطرح‌شده به صورت خارج از زمان و… می‌باشند. سرعت فراگیری این سیستم به نحوی است که در مدتی کوتاه نه تنها دانشگاه‌هایی که پیش‌تر هم از سیستم آموزش مجازی برخوردار بودند، شروع به ارتقاء آن و برگزاری کلاس‌های مجازی کردند، بلکه سایر دانشگاه‌ها نیز به تپیه زیرساخت‌های موردنیاز در مدت‌زمان کوتاهی اقدام نمودند؛ به گونه‌ای که اکنون تنها در دانشگاه‌های شهرهای کوچک و با جمعیت کمتر از ۲ هزار نفر این سیستم راه‌اندازی نشده و البته در حال پیگیری است. اهداف مطرح‌شده در دستور کار وزارت علوم و دانشگاه‌ها برای مصوبات آموزش مجازی به این صورت بیان شده‌است؛ به حداقل رساندن آسیب‌ها و کنترل شیوع کرونا در سطح جامعه، چیران کاستی‌های پدید آمده در فعالیت آموزشی دانشگاه‌ها، بهره‌مندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از مزایای آموزش الکترونیکی و آمادگی این مراکز برای مواجهه با شرایط مشابه. بدیهی است که برخی از این اهداف منحصr به ایام بحرانی نبوده و مزایای آموزش الکترونیک همچون دسترسی نه چندان وابسته به شرایط، امکان استفاده عمومی و ذخیره‌سازی و… لزوم وجود چنین سیستم‌هایی را حداقل به عنوان ابزار کمک‌آموزشی نشان می‌دهد. با این وجود سؤالی که هنوز بی‌جواب مانده، این است که چرا زیرساخت‌های لازم برای برگزاری این‌گونه کلاس‌ها برای این مثال در دانشگاه‌های پیام نور که اساس آموزششان مجازی است، پیش‌تر از این فراهم نشده است؟ چرا برای رسیدگی به مسائلی که عمده‌تر در شرایط عادی هم به بهبود آموزش یا دغدغه‌های دیگر کشور کمک می‌کنند باید منتظر بحران باشیم؟ در پایان مروری اجمالی به مشکلات حل‌نشده این زیرساخت‌ها بیندازیم. اولین مسئله بحث دسترسی همگانی به اینترنت است که محدود به مشکل هزینه که برای آن پیگیری‌هایی انجام‌شده است، نمی‌شود؛ مثلاً فرض کنید دانشجویانی در شهرستان‌های دورافتاده که پوشش شبکه اینترنت ندارند ساکن هستند و بناسد که در کلاس‌های آموزش زنده و برخط شرکت کنند. آیا زیرساخت‌های مناسب برای دسترسی همه افراد از سوی نهادهای مربوطه فراهم‌شده است؟ یا مثلاً برای دانشجویانی که به ابزارهای هوشمند دسترسی ندارند تسهیلاتی در نظر گرفته‌شده است؟ مسئله بعدی که به آن توجه چندانی نشده، برگزاری دروس دروس علمی و آزمایشگاهی در شرایط مشابه است. علاوه بر این‌ها می‌توان به عدم دسترسی به منابع مطالعه همچون کتاب‌ها، مقالات غیر دیجیتال، مجلات و… نیز اشاره کرد که اکثر از کتابخانه‌ها محرومند. با این وجود به نظر می‌رسد آموزش مجازی در کشور ما باوجود تمام تلاش‌ها هنوز با حالت ایده‌آل آن فاصله دارد و انتظار می‌رود باز هم اقداماتی برای بهبود صورت گیرد.